ترسو [ˈkauərd] n نامرد

ترسو شخصی است که فاقد شهامت برای انجام کارهای خطرناک یا خطرناک است.

آتش نشان نمی تواند ترسو باشد. آنها باید بتوانند سریع عمل کنند.

حذف

Delete [diˈliːt] v حذف

حذف چیزی به معنای حذف یا پاک کردن مطالب نوشته شده است.

lines چندین خط از سخنان وی حذف شده بود.

دست اول

دست اول [əːfəːrstˈhænd] adj. دست اول

اگر چیزی دست اول است ، پس از منبع اصلی است.

→ اگر می خواهید دانش دست اول داشته باشید ، از شخصی که آن را دیده است س askال کنید.

جدی

جدی [ˈəːrnist] الف. جدی

اگر کسی جدی است ، پس صادق است.

→ کودک وقتی به مادرش گفت چگونه ظرف را شکست ، بسیار جدی بود.

قومی

قومی [ˈeθnik] adj. قومی

اگر چیزی قومی است ، پس مربوط به گروهی با فرهنگ مشابه است.

→ بسیاری از بخشهای شهر محل زندگی جوامع مختلف قومی است.

استثنا کردن

رد کردن [iksˈkluːd] v

کنار گذاشتن شخصی به معنای عدم پذیرش او در یک گروه است.

→ کارول از این مسابقه حذف شد زیرا دوستش داور بود.

روان، سلیس

روان [ːəfluːənt] adj. روان، سلیس

اگر کسی به زبانی تسلط داشته باشد ، پس می تواند به خوبی صحبت کند.

→ او آنقدر به زبان آلمانی تسلط داشت که فکر می کردید اهل آلمان است.

امپراتوری

شاهنشاهی [imˈpiəriəl] adj. امپراتوری

اگر چیزی امپراتوری باشد ، مربوط به یک امپراتوری است یا مربوط به آن است.

→ این سکه های قدیمی شاهنشاهی زمانی در امپراتوری روم مورد استفاده قرار می گرفت.

شامل

inclusive [inˈkluːsiv] adj. شامل

اگر مطلبی فراگیر باشد ، برای همه گروه ها و افراد جامعه باز است.

event یک رویداد فراگیرتر امکان حضور کودکان را فراهم می آورد.

قانونگذار

قانونگذار [ˈledʒisleitʃə: r] n قانونگذار

قانونگذار بخشی از دولت است که قوانین وضع می کند.

→ سناتور ده سال در مجلس قانونگذاری کشور خدمت کرده بود.

وابسته به زبانشناسی

زبانی [liŋˈgwistik] الف. وابسته به زبانشناسی

اگر چیزی زبانشناختی است ، پس مربوط به زبان است.

→ یک روش زبانی برای مطالعه فرهنگ ، کلمات درون آن فرهنگ را متمرکز می کند.

تک زبانه

تک زبانه [ˌmɒnəˈliŋgwəl] adj. تک زبانه

اگر کسی تک زبانه باشد ، پس فقط به یک زبان صحبت می کند.

economy در اقتصاد جهانی امروز ، تک زبانه بودن فرصت های شما را محدود می کند.

ملیت

ملیت [ˌnæʃəˈnæləti] n. ملیت

ملیت یک هویت است که مبتنی بر ملتی است که از آن می آیید.

national ملیت وی آلمانی است ، اما او به فرانسه ، اسپانیایی و کره ای صحبت می کند.

میهن پرست

patriot [itpeitriət] n. میهن پرست

میهن پرست شخصی است که کشور خود را دوست دارد ، از آن حمایت می کند و از آن دفاع می کند.

→ هر ساله میهن پرستان جوان به ارتش کشورهای خود می پیوندند.

پیگرد قانونی

محاکمه کردن [ˈprɒsəkjuːt] v پیگرد قانونی

تحت تعقیب قرار دادن شخصی به معنای اقدام قانونی علیه وی است.

→ آنها به دلیل ماهیگیری در رودخانه بدون مجوز تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند.

نژادی

نژادی [ˈreiʃəl] adj. نژادی

اگر چیزی نژادی است ، پس مربوط به یک نژاد یا نژاد است.

→ تفاوت بین گروه های نژادی ویژگی های جسمی و فرهنگ است.

موقر

solemn [ˈsɒləm] adj. موقر

اگر چیزی جدی باشد ، جدی و صادقانه است.

professor استاد روابط جدی بین او و دانشجویانش را ترجیح داد.

همبستگی

همبستگی [ˌsɒləˈdærəti] n. همبستگی

همبستگی اتحادیه ای است که از مسئولیت ها یا منافع مشترک تشکیل شده است.

→ همه شهروندان برای نشان دادن همبستگی برای ایجاد تغییرات دور هم جمع شدند.

تدبیر

تاکت [tækt] n تدبیر

تدبیر توانایی جلوگیری از آزار افراد هنگام برخورد با مشکلات است.

→ از آنجا که هر دو طرف با هم توافق نمی کنند ، لازم است فردی با درایت صلح کند.

تضعیف کردن

undermine [ˌʌndərˈmain] v تضعیف کردن

تضعیف کسی به معنای خیانت یا تضعیف تلاش ها یا اقتدار آنها است.

→ این اسناد به تضعیف اعتماد کارگران به صداقت رئیس خود کمک کردند.

شهردار شرمن

شهر جهانی شرمن نیاز به انتخاب شهردار جدید داشت. دو نفر آرزو داشتند که شهردار شوند: آقای جونز و آقای وب. آقای جونز مردی خوش قد و بلند قامت بود. او یک سخنران خارق العاده بود و شهروندان او را دوست داشتند. با این حال ، آقای جونز چیز زیادی در مورد اداره یک شهر نمی دانست. او یک دروغگو بیمارگونه بود که فقط با سخنان خود مردم را چاپلوسی می کرد. آقای وب بسیار متفاوت بود. او مردی کوچک و غیرجذاب بود. هنگام راه رفتن او لنگ و لنگ بود. اما او متخصص سیاست بود و می دانست که چه چیزی برای مردم بهتر است.

شهروندان شرمن اهمیتی به سخنان سیاستمداران ندادند. هیچ کس به آقای وب گوش نداد ، حتی اگر او ایده های خوبی داشت. وقتی آقای جونز صحبت کرد ، آنها تشویق کردند ، اگرچه او در مورد چیزهای مهم صحبت نکرد. سخنان زیبا او مردم را در خلسه فرو برد. همه نظرسنجی ها پیش بینی می کردند که آقای جونز در انتخابات پیروز شود.

وقتی آرا were جمع شد ، آقای جونز به راحتی پیروز شد. اما وقتی او منصب شد ، نمی دانست چه کاری انجام دهد! او سعی کرد با کار در خفا ، نادانی خود را پنهان کند. وی قانونی را به قانون اساسی شهر اضافه کرد که از دیدن شهروندان به شهردار جلوگیری می کرد. وی حتی روزنامه هایی را که سعی در انتشار اطلاعاتی درباره عدم توانایی وی در کمک به مردم داشتند ، سانسور کرد.

به زودی ، آقای جونز به دلیل ضعف رهبری بدنام شد. عصبانیت در میان شهروندان به وجود آمد. آنها از تصمیم نادرست خود در انتخاب شهردار نادان پر از پشیمانی بودند. آنها به برکناری آقای جونز رأی دادند و اجازه دادند آقای وب زمام امور را به دست گیرد. بلافاصله آقای وب ثابت کرد که وی یک شهردار بزرگ است. او قانون آقای جونز را لغو کرد و مایل بود با همه صریح صحبت کند. وی به موضوعات مهم پرداخت و قوانین غیرمنصفانه را در منشور شهر اصلاح کرد.

شهروندان آموختند که ظاهر دلپذیر و سخنان خوب باعث ایجاد یک رهبر خوب نمی شود. مهمترین ویژگی ها هوش و تمایل به کمک به دیگران است.